

در مسیر

۲

بخش دوم

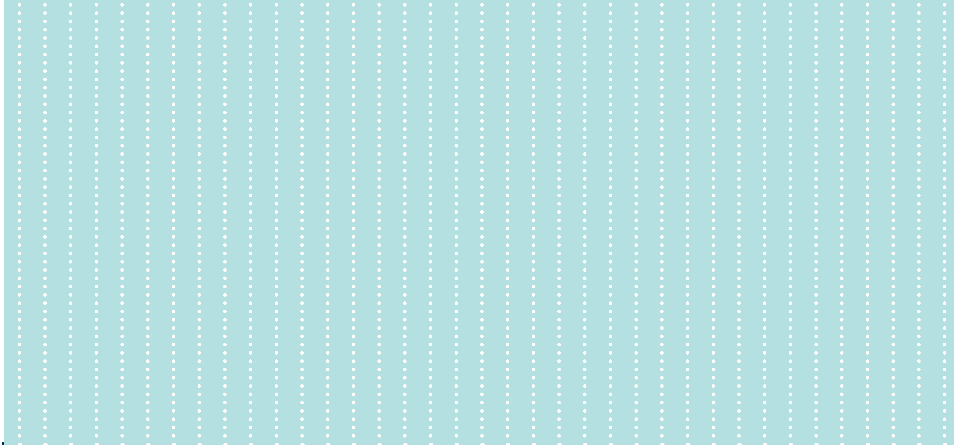
سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است، موضوعی که در بخش اول با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی، به ویژه انسان به آن پرداختیم.

اما گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف ممکن است.

هرچند این مسیر با دشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است:

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند.



وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ
 وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي
 السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ
 النَّاسِ ۗ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
 فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
 لِذُنُوبِهِمْ ۗ وَ مَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ
 مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن
 رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ
 نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَّتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١٣٧﴾
 هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَ
 لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید. ﴿۱۳۱﴾

[پرهیزکارانی] که از مال خود به فقرا در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از [خطای] مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. ﴿۱۳۲﴾

[همانانی] که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و [نیز] بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [گناه است]، پافشاری نمی‌کنند. ﴿۱۳۳﴾ آنان، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن، جویبارها روان است. جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست. ﴿۱۳۴﴾

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته [و سپری شده] است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟ ﴿۱۳۵﴾ این [قرآن] برای مردم، بیانی [روشن]، و برای پرهیزکاران، رهنمود و اندرزی است. ﴿۱۳۶﴾

و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید، که شما برترید. ﴿۱۳۷﴾



درس هفتم

بازگشت

خدای متعال به حضرت داود عليه السلام فرمود :

«ای داود! اگر روی گردانان از من می‌دانستند که چگونه انتظار آنها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.»^۱

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست، بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری برجای گذاشته است. این گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم حقیقت توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۲۷۹۷. «یا داود! لَوْ عَلِمَ الْمُذْبِرُونَ عَنِّي كَيْفَ اِنْتَظَارِي لَهُمْ وَسَوْفِي اِلَى تَوْبَتِهِمْ لَمَاتُوا شَوْقًا اِلَيَّ وَ لَتَفَرَّقَتْ اَوْصَالُهُمْ.»

عبد یا آزاد؟

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانه با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیایی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست!

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مدت بیشتری در بیرون خانه مکث کند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا معطل کردی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت که، مردی با چنین وضع و شمایی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.

شنیدن ماجرا، صاحبخانه را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله «اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جا برخاست و به خود مهلت پوشیدن کفش را نداد. با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت. دويد تا خود را به گوینده سخن، که امام موسی کاظم علیه السلام بود، رساند. در حضور امام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُسْر بن حارث که تا آن روز در زمره اشراف زادگان و عیاشان قرار داشت، در سِلک مردان پرهیزکار و خداپرست درآمد.^۱

انقلاب علیه خود

در میان مخلوقات، انسان موجودی است که علاوه بر ایستادگی در برابر موانع بیرونی، می‌تواند در برابر موانع درونی نیز ایستادگی کرده و حتی علیه خود انقلاب کند؛ بدین معنا که هم می‌تواند با پیروی از عقل، علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند و هم می‌تواند با پیروی از نفس اماره و انجام گناه، از فرمان‌های خداوند سرپیچی کرده و به خود ستم روا دارد.

۱- داستان راستان، مرتضی مطهری، داستان ۴۴

با توجه به آنچه در سال‌های قبل دربارهٔ «نفس اماره» و «نفس لوامه» و «خود دانی» و «خود عالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود، علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

.....

۲- انقلاب علیه خود در چه صورتی پسندیده و در چه صورتی ناپسند است؟

.....

حقیقت توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت است و در مورد بندگان، به معنای بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست. این حالت وقتی رخ می‌دهد که انسان از گناه پشیمان شده و قصد انجام آن را نداشته باشد. با بازگشت بنده گناهکار، خداوند نیز به سوی او باز می‌گردد و درهای رحمتش را به رویش می‌گشاید و آرامش را به قلب او باز می‌گرداند.

همین‌که انسان بعد از انجام گناه، در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالش این باشد که: «چقدر بد شد! کاش این کار را نمی‌کردم، چرا به فرمان خدا بی‌توجهی کردم؟» توبه انجام شده و گناه بخشیده می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «برای توبه کردن پشیمانی کافی است.»^۱

چنین انسانی واقعاً در دل «استغفرالله» را گفته است، گرچه آن را بر زبان جاری نکرده باشد. اما اگر بر عکس باشد، یعنی با زبان «استغفرالله» بگوید اما در قلبش پشیمان نباشد چنین کسی توبه نکرده است.

بیشتر بدانیم

امام باقر علیه السلام به یکی از باران خود فرمود:

ای محمدبن مسلم! گناهان مؤمن، وقتی که از آنها توبه می‌کند، بخشیده شده است. پس مؤمن، باید بعد از توبه کردن، عمل را از نو آغاز کند و زندگی را از سر گیرد. البته آگاه باش که این امتیاز فقط برای اهل ایمان است.

محمدبن مسلم از امام سؤال کرد: اگر مؤمن بعد از توبه و استغفار باز هم به طرف گناه بازگشت، آن وقت چه می‌شود؟

امام فرمود: ای محمدبن مسلم! تو خیال می‌کنی مؤمن از گناهش بشیمان می‌شود و از آن استغفار می‌کند، اما خداوند توبه او را قبول نمی‌کند؟!

محمدبن مسلم بار دیگر می‌پرسد: حال اگر این توبه شکستن را بارها تکرار کند و پس از هر گناه باز هم توبه کند و از خدا طلب بخشش نماید، باز هم قبول است؟

امام در جواب فرمود: هر وقت مؤمن با استغفار و توبه به سوی خدا باز گردد، خدا هم با بخشش به سوی او باز می‌گردد. سپس امام این آیه را خواند: «اوست که توبهٔ بندگانش را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و می‌داند که چه می‌کنید.»^۱

سپس امام به محمدبن مسلم تذکر داد و فرمود: مراقب باش مؤمنین را از رحمت خدا مأیوس

نکنی!^۲

توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست و شو می‌دهد. به همین جهت این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» نیز می‌گویند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

اَلتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ

كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ^۳

کسی که از گناه توبه کرده

مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید:

اَلتُّوبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ

وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ^۴

توبه دل‌ها را پاک می‌کند

و گناهان را می‌شوید.

۱- سورهٔ شوری، آیهٔ ۲۵.

۲- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۳۴.

۳- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۲، ص ۱۲۶.

۴- همان، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد :

۱- با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می شود.

خداوند به پیامبرش پیام می دهد که :

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
بگو ای بندگان من که زیاده به خود ستم روا
داشته اید،

لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا
إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ^۱
از رحمت الهی نا امید نباشید،
خداوند همه گناهان را می بخشد،
چرا که او آمرزنده مهربان است.

۲- توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح نیز به دنبال آن بیاید، گناهان را به حسنات تبدیل می کند. خداوند می فرماید: «کسی که باز گردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می کند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»^۲

۳- توبه در جوانی آسان تر است و خداوند توبه جوانان را بسیار دوست دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «کسی نزد من محبوب تر از جوان توبه کار نیست.»^۳

۴- در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست. باید لحظه های توفیق را شکار کرد و خود را در دامن مهر خداوند انداخت.

۵- تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می شود. خداوند می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ
وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ^۴
خداوند کسانی را که زیاد توبه می کنند، دوست دارد
و پاکیزگان را دوست دارد.

بنابراین، اگر کسی گناهی مرتکب شد و توبه کرد، اما توبه اش را شکست و دوباره مرتکب گناه شد، هیچ مانعی ندارد که باز هم توبه کند و از خداوند عذرخواهی نماید؛ چراکه خداوند کسی را که فوراً از گناه خود ناراحت می شود و بسیار توبه می کند، دوست دارد؛ زیرا می بیند چنین فردی، با اینکه در دام گناه افتاده، اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می شود.

۱- سوره زمر، آیه ۵۳.

۲- سوره فرقان، آیه ۷۰.

۳- مشکاة الانوار، طبرسی، ص ۱۷۰.

۴- سوره بقره، آیه ۲۲۲.

حیله‌های شیطان

شیطان، برای دور کردن انسان از توبه، تلاش فراوان می‌کند و با حیله و فریب مانع توبه انسان‌ها می‌شود، از جمله اینکه :

۱- ابتدا انسان را با این وعده که «گناه کن و بعد توبه کن!» به سوی گناه می‌کشاند و وقتی که او آلوده شد، از رحمت الهی مأیوسش می‌سازد و می‌گوید «آب که از سر گذشت چه یک وجب، چه صد وجب.» در این حالت، انسان با خود می‌گوید که کار از کار گذشته و پرونده عملم نزد خداوند آن قدر سیاه است که دیگر توبه‌ام پذیرفته نیست. درحالی که آدمی، هر قدر هم که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند و نادم و پشیمان شود، حتماً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد.

طمع ز فیض کرامت مبر که خُلق کریم گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشد
مقیم حلقه ذکر است دل، بدان امید که حلقه‌ای ز سر زلف یار بگشاید^۱

۲- انسان را به «تسویف» می‌کشاند. «تسویف» از ریشه «سَوَف» و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر، فرد گنهکار دائماً به خود می‌گوید «به‌زودی توبه می‌کنم.» و این گفته را آن قدر تکرار می‌کند، تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می‌شود.

این حیله شیطان، بیشتر برای گمراه کردن جوانان به کار می‌رود. به او می‌گوید تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می‌توانی توبه کنی. اما این یک دام است و سبب عادت جوان به گناه می‌شود، به طوری که ممکن است ترک گناه برایش سخت گردد.

درست است که هر وقت برگردیم خدا قبولمان می‌کند، اما اگر انسانی غرق گناه شود، دیگر معلوم نیست که میل به توبه پیدا کند. شاید گناه به قدری بر روحش غلبه کند که هیچ وقت نتواند قلباً پشیمان شود و وقتی که پشیمانی قلبی نباشد توبه‌ای صورت نگرفته است.

۳- روش دیگر شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را گام به گام و آهسته به سمت گناه می‌کشاند تا در این فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند.^۲ برای

۱- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۲۳۰.

۲- قرآن کریم در مورد این روش شیطان تعبیر «خَطُواتِ الشَّیْطَانِ» را به کار می‌برد؛ یعنی گام‌های شیطان. این تعبیر نشان می‌دهد که روش شیطان در گمراه نمودن افراد، تدریجی و گام‌به‌گام است و شیطان انسان را قدم‌به‌قدم به سوی پرتگاه می‌کشاند. اگر انسان بداند که قرار است روزی با فریب شیطان چه گناهان بزرگی را انجام دهد، به شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند اما شیطان، انسان را فوراً به سمت آن گناه نمی‌برد، بلکه گام‌به‌گام و به تدریج قبح و زشتی گناه را در دل او از بین می‌برد تا در نهایت گناه بزرگ را مرتکب شود. قرآن کریم با اشاره به این روش شیطان این نکته را مطرح می‌کند که هدف نهایی شیطان آلوده کردن شما به انجام فحشا و منکر است و هر کس به دنبال گام‌های شیطان بیفتد عاقبتی جز انجام گناهان زشت و ناپسند را ندارد :

بأئِها الذِّین آمنوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطَانِ وَ مَنْ یَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّیْطَانِ فَإِنَّهُ یَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ ... (سوره نور، آیه ۲۱).

مثال، شیطان از همان ابتدا، انسان را به رابطه نامشروع با جنس مخالف دعوت نمی‌کند، بلکه در گام اول سخن از یک دوستی ساده به میان می‌آورد، دوستی‌ای که فقط در حد صحبت و درد دل کردن است. اما در گام‌های بعدی و به صورت تدریجی چنان این دوستی را پیش می‌برد که فرد خود را غرق در فساد و آلودگی می‌بیند.

مراحل تکمیلی توبه

همان‌طور که گفته شد، حقیقت توبه همان حالت پشیمانی و تصمیم بر ترک گناه است. اما این پشیمانی و تصمیم آثار و نتایج دارد که در زندگی شخص توبه‌کننده خود را نشان می‌دهد؛ از جمله:

۱- عدم تکرار گناه: توبه‌کننده تلاش می‌کند دیگر به سراغ گناهی که از آن پشیمان شده است نرود، زیرا انجام آن مساوی با شکستن توبه است که در آن صورت باز هم باید توبه کند. به عبارت دیگر، اگر توبه‌کننده حقیقتاً توبه کرده باشد، گرچه ممکن است به آن گناه علاقه‌ای هم داشته باشد، سعی خواهد کرد در عمل از آن دوری نماید.

اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه استغفار در حال انجام گناه نه تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. به همین جهت امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

کسی که از گناهی استغفار کند

و در عین حال انجامش دهد

مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.

الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ

و يَفْعَلُهُ

كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ

بررسی

برای اینکه حالت پشیمانی، به ترک گناه بینجامد، چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌دهید؟

۲- جبران حقوق الهی و حقوق مردم: توبه‌کننده تلاش می‌کند حقوقی را که با گناه خود ضایع کرده است جبران نماید. دسته‌ای از این حقوق، مربوط به خداوند است. مهم‌ترین حق خداوند نیز،

حق اطاعت و بندگی اوست. توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند؛

برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست داده را به تدریج قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به جا آورد.

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران نموده و او را عفو می‌کند. دسته‌ای دیگر، حقوق مردم است. توبه‌کننده باید بکوشد اگر ستمی بر مردم کرده است آن را جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، به نیابت آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر و طلب آمرزش نماید.^۱ توجه کنیم که حقوق معنوی انسان‌ها بسیار مهم‌تر از حقوق مادی آنان است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا راه‌انداختن یک شبکه اجتماعی گمراه‌کننده در فضای مجازی، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

خودارزیابی

رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه‌ریزی نمایید.

توبه اجتماعی

آنچه تاکنون گفته شد مربوط به توبه فردی بود؛ اما جامعه هم اگر در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شد، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند «توبه اجتماعی» است. انحراف‌های اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا از جمله این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

مهم‌ترین راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و در تمام سطوح جامعه نفوذ می‌کنند. در واقع اگر مردم در برابر این گناهان حساسیت نشان دهند و در برابر

۱- محجة البیضاء، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۷۳.

آن بایستند و بکشند که جامعه را به وضع صلاح و درستی باز گردانند، به آسانی می‌توانند مانع گسترش گناهان شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می‌شود و نیاز به تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های اساسی و زیربنایی پیدا می‌شود تا آنجا که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

سراسر عمر ظرف زمان توبه است^۱، اما بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به این نکته توجه کنیم:

دوره جوانی دوره انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره پیری دوره کم‌شدن انعطاف و تثبیت خوی‌ها و خصلت‌هاست. اگر در دوره جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد و ماندگار شد خارج کردن آنها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. صفات ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه ریشه‌های نهالی هستند که در ابتدا نفوذ کمی در خاک دارد اما هر قدر زمان می‌گذرد، نفوذ آن بیشتر می‌شود و قوی‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن درخت بسیار سخت می‌شود.

بیشتر بدانیم

امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به جوانان می‌نویسد:

«بهار توبه ایام جوانی است که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری حرص، طمع، حبّ جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است. فرض کنیم که انسان بتواند در ایام پیری به توبه قیام کند، از کجا که به پیری برسد و اجل موعود، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نریابد و به او مهلت دهد؟...»

پس ای عزیز، از کیدهای شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حيله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمه استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ اینها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق تعالی بر این امت لطف فرموده و توبه آنها را تا

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب کفر و ایمان.

قبل از مشاهده آثار مرگ یا خود آن قبول می فرماید، صحیح است؛ ولی هیبت که در آن وقت توبه از انسان سرزند! مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ برگشت و عزم بر برگشت نکردن، ریاضت های علمی و عملی لازم دارد، ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت های سنگین و ظلمت بی پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می داند که انسان به چه گرفتاری ها و بدبختی ها دچار می شود ...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم را محکم و اراده را قوی کن و از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به سر میبری، توبه کن و مگدار فرصت خدا داد از دست برود.^۱

برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم	تقصیرهای رفته، به خدمت قضا کنیم
بی مغز بود سر که نهادیم پیش خلق	دیگر فروتنی به در کبریا کنیم
دارالشفای توبه نبسته است در هنوز	تا درد معصیت به تدارک دوا کنیم
روی از خدا به هر که کنی شرک خالص است	توحید محض کز همه رو در خدا کنیم
چند آید این خیال و رود در سرای دل	تا کی مقام دوست به دشمن رها کنیم
چون برترین مقام ملک دون قدر ماست	چندین به دست دیو زبونی چرا کنیم ^۲

پیشنهاد

مناجات النائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می گذارد؟

ب) چه اموری است که جز خداوند دیگری توان انجام آن را ندارد؟

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناهکار قرار داده که راه عذر آوردن را بر او بسته است؟

۱- شرح چهل حدیث، امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۲۷۳ (با سادسازی برخی کلمات و عبارات).

۲- سعدی، مواعظ، غزلیات، غزل ۵۰.

مولوی، درباره کسی که فریب شیطان را می خورد و توبه را به تأخیر می اندازد، مثال زیر را می زند:

در میان ره نشاند او خاربن	همچو آن شخصِ درشتِ خوش سُخُن
پای خلق از زخم آن پر خون شدی	هر دمی آن خاربن افزون شدی
پای درویشان بختی زار زار	جامه های خَلق بدریدی زخار
گفت آری برگم روزیش من	چون به جد حاکم بدو گفت این بکن
شد درخت خار او محکم نهاد	مدتی فردا و فردا وعده داد
پیش آ در کار ما واپس مَعْرُ	گفت روزی حاکمش ای وعده کز
که به هر روزی که می آید زمان	تو که می گویی که فردا، این بدان
وین کننده پیر و مضطر می شود	آن درختِ بد جوان تر می شود
خارکن در پیری و در کاستن	خاربن در قوت و برخاستن
خارکن هر روز زار و خشک تر	خاربن هر روز و هر دم سبزتر
زود باش و روزگار خود ببرا	او جوان تر می شود تو پیرتر